**بررسی ارتباط بین تغییر مدیریت و مدیریت واقعی سود**

**چکیده**

با توجه به اهمیت مدیریت سود، هدف این بررسی ارتباط بین تغییر مدیر عامل ومدیریت واقعی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای رسیدن به این هدف تعداد 85 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی 1393-1387 با استفاده از مدل رگرسیون پانل مورد بررسی قرار گرفت. جهت آزمون فرضیه­ها از نرم افزار اقتصادی Eviews استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه­های پژوهش نشان داد که بین جریان­­­‌های نقدی غیرعادی به عنوان یک جزء از اجزای سه گانه مدیریت واقعی سود با تغییر مدیر عامل رابطه منفی معنادار وجود دارد. به این معنی که تغییر مدیریت باعث کاهش مدیریت سود(مدیریت سود کاهنده) خواهد شد. نتایج بیشتر پژوهش حاکی از آن است که بین دو جزء باقی‌مانده مدیریت واقعی سود شامل هزینه غیرعادی تولید و هزینه غیرعادی اختیاری با تغییر مدیر عامل رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که دو متغیر کنترلی اندازه و سن دارای تاثیر معناداری بر مدیریت واقعی سود می­باشند.

واژه‌های کلیدی**:** تغییر مدیریت، مدیریت سود، مدیریت واقعی سود.

**مقدمه**

پدیده مدیریت سود در طول نیم قرن اخیر موضوع مورد علاقه­ای برای محققین حسابداری و مالی بوده است. این پدیده به رفتار آگاهانه­ای اطلاق می شود که به منظور کاهش نوسان‌های دوره­ای سود شکل می­گیرد. از نظر استفاده­کنندگان صورت‌های مالی به ویژه سرمایه­گذاران، یکی از مهمترین جنبه­های گزارشگری مالی شرکت‌های سهامی تعیین سود خالص است، زیرا از نظر هیأت مدیره و صاحبان سهام سود خالص هر موسسه معیاری برای سنجش کارایی مدیریت موسسه می­باشد. از طرفی ارزش بازار هر سهم و مبلغ سود هر سهم به مقدار سود خالص و روند سودآوری شرکت‌های سهامی در سال‌های متمادی بستگی دارد. افزایش سالیانه سود شرکت­های سهامی موجب اطمینان سهامداران و جلب سرمایه­گذاران جدید برای خرید سهام شرکت شده و بانک­ها و سایر موسسات اعتباری برای اعطای وام بیشتر ترغیب خواهند شد. تمامی این عوامل باعث می­شود که مدیریت انگیزه لازم جهت مدیریت سود را داشته باشد. بطور کلی مدیریت سود زمانی رخ می­دهد که مدیران قضاوت را در گزارشگری مالی و سازماندهی و رویدادها دخیل می­کنند تا از این طریق با تحریف گزارشات مالی بینش و استنباط سهامداران را نسبت به عملکرد اصلی و اقتصادی شرکت و نتیجه­گیری‌های مبتنی بر ارقام حسابداری گزارش شده تحت تأثیر قرار دهند(هیلی و والن1،1999). مدیریت سود می تواند از نوع کارا یا غیرکارا(خوب یا بد) باشد. بر اساس نظریه حساب شویی ممکن است مدیران جدید به منظور تخریب مدیریت قبلی اقدام به مدیریت سود نمایند، به گونه­ای سود اولین دوره مدیریت خود را کاهش و سود دوره­های بعد را افزایش می­دهند تا از این طریق به بازار اعلام نمایند که افزایش سود نتیجه عملکرد آنها بوده است. این موضوع که از نوع مدیریت سود بد می­باشد، انگیزه اصلی این پژوهش را تشکیل می­دهد.

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

در رابطه با مدیریت سود الگوها و نظریه­های متفاوتی بیان شده است. الگوهایی مانند الگوی به حداقل رساندن سود، الگوی خانه­تکانی، الگوی به حداقل رساندن سود، الگوی هموارسازی سود و ... و نظریه­هایی مانند پذیرایی، چشم­داشت، رفتاری، کارگزاری، بازی و حساب‌شویی. بر اساس نظریه حساب‌شویی، اگر شرکتی در یک سال سود پایین را تجربه کند ممکن است سود آن سال را با شستن یا استحمام دارایی­ها(تبدیل آنها به هزینه) کاهش دهد(جوردن و کلارکف2،2004). بر این اساس اگر حساب­شویی در چارچوب اصول حسابداري پذیرفته­ همگانی باشد، مدیران بعدا از بابت حساب­شویی­هایی که قبلا انجام داده­اند جریمه و توبیخ نمی­شوند. بعضی دیگر معتقدند: حساب­شویی زمانی رخ می­دهد که مدیران جدید جایگزین مدیران قبلی می­شوند و براي این که بعدا عملکرد خوبی از خود نشان دهند، حساب­شویی اساسی راه می­اندازند. در سال آخر حضور مدیر عامل در شرکت، احتمالا انگیزه مدیریت سود افزاینده وجود دارد، زیرا از طرفی مدیر عامل می خواهد با گزارش نمودن سود بیشتر از واقع، پاداش خود را به حداکثر برساند و از طرف دیگر مدیر با این کار می خواهد احتمال کسب جایگاهی در هیئت مدیره را پس از کناره­گیری از سمت مدیر عاملی افزایش دهد. به علاوه طبق فرضیه «افق دید کوتاه مدت» مدیر در حال برکناری این انگیزه را دارد تا با افزایش سود گزارش شده در سال پایانی حضور خود در شرکت، به پاداش بیشتری دست یافته و شهرت و اعتبار خود را نیز افزایش دهد. به علاوه در سال تغییر مدیر عامل، هنگامی که مدیر عامل جدید در جایگاه مدیریت قرار می گیرد، احتمالا تمایل دارد در سال اول حضور خود در شرکت، مدیریت سود کاهنده انجام دهد، زیرا می خواهد نشان دهد مدیر عامل قبلی، شرکت را در وضعیت بدی به او تحویل داده است. همچنین عملکرد مدیرعامل قبلی را ضعیف جلوه داده و بابت عملکرد بد سال تغییر، وی را مقصر جلوه دهد. از طرفی این موضوع از دیدگاه الگوی خانه­تکانی و حتی الگوی به حداقل رساندن سود قابل توضیح است. ایتو3(2007) الگوی خانه تکانی را این چنین تعریف نمود: تلاش جهت افزایش سود در سال­های آینده به وسیله انتقال هزینه­های دوره­های آتی به دوره جاری. این اقدام باعث بدتر شدن سود در دوره­ای می­گردد که سود کسب شده واقعی قابل قبول نیست. هنگامی می­توان منتظر بروز این الگو بود که شرکت گرفتار آشفتگی مالی، تجدید ساختار و زیان است و یا اینکه به سود مورد انتظار و پیش­بینی شده دست نیافته است. از آن جایی که میزان این زیان و اختلاف با سود مورد انتظار، تفاوت چندانی در وضعیت شرکت و به خصوص مدیر نخواهد داشت، مدیر اقدام به مدیریت سود کاهنده کرده و این زیان را بیشتر می­کند. شرکت با این کار زیان­های آینده را در این دوره شناسایی کرده و احتمال افزایش سود در دوره­های آتی را افزایش می­دهد. از طرفی در مورد شرکت­هایی که تغییر مدیرعامل داشته­اند نیز ممکن است انگیزه کاهش سود وجود داشته باشد که در آن موارد نیز استفاده از الگو به حداقل رساندن سود متحمل است(حسینی، 1391، کوتر4 و همکاران، 1998).

 با توجه به این مطالب با توجه به نظریه حساب­شویی و در نظر گرفتن دو الگوی خانه تکانی و به حداقل رساندن سود، تغییر مدیریت می­تواند بر میزان مدیریت سود تاثیرگذار باشد. به گونه­ای که ممکن است مدیریت قبلی در اخرین سال مدیریت خود اقدام به مدیریت سود افزاینده نماید. از طرفی ممکن است مدیریت جدید در سال اول مدیریت خود از طریق مدیریت سود، اقدام به کاهش سود و در سال­های بعد اقدام به افزایش آن نماید تا از این طریق مدیر قبلی را تخریب و عملکرد آتی خود را خوب جلوه دهد. به گونه­ای که انتظار می­رود یک الگوی v و یا U مانند بین دوره قبل، دوره تغییر و دوره(های) بعد از تغییر مدیریت وجود داشته باشد. با در نظر گرفتن نقطه عطف این الگوی U مانند انتظار می­رود که: مدیریت سود در اولین دوره تصدی مدیر عامل نسبت به سایر دوره­ها روند کاهشی داشته باشد، لذا در نگاه اول فرضیه پژوهش به صورت ذیل مطرح می­شود:

مدیریت واقعی سود در اولین دوره تصدی مدیر عامل نسبت به سایر دوره­ها روند کاهشی دارد.

با توجه به اجزای سه گانه مدیریت سود واقعی، فرضیه­های پژوهش به صورت ذیل بیان می­شوند:

1 - جریان­های غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی(به عنوان یک جزء مدیریت واقعی سود) در اولین دوره تصدی مدیر عامل نسبت به سایر دوره­ها روند کاهشی داشته است.

2 - هزینه­های غیرعادی تولید(به عنوان یک جزء مدیریت واقعی سود) در اولین دوره تصدی مدیر عامل نسبت به سایر دوره­ها روند کاهشی داشته است.

3 - هزینه­های غیرعادی اختیاری(به عنوان یک جزء مدیریت واقعی سود) در اولین دوره تصدی مدیر عامل نسبت به سایر دوره­ها روند کاهشی داشته است.

دانگ5 و همکاران(2015) در مطالعه­ای اثر حاکمیت ساختار مالکیت را با مدیریت واقعی سود بررسی کردند، یافته­های آنها نشان داد که ساختار مالکیت اثر معناداری بر مدیریت واقعی سود شرکت­ها دارد. این نتایج موید آن است شرکت با ساختار مالکان نهادی بزرگ بیشتر متمایل به مدیریت واقعی سود می­باشند. علاوه برآن ساختار مالکیت دولتی و درصد مالکیت مدیران رابطه منفی با مدیریت واقعی سود دارند. در واقع کنترل دولت و کمک مالکیت مدیریتی باعث کاهش انگیزه برای مدیریت واقعی سود مدیریت می­شوند.

ناگار و رادهاکریشنان6(2015) در مطالعه­ای چرخه عمر شرکت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی را بررسی نمودند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که، شرکت­ها در مرحله رشد و بلوغ برای اجتناب از ضرر و زیان به مدیریت واقعی سود رو می­آورند. در مقابل شرکت­ها در مرحله تولد چنین اقدامی را انجام نمی­دهند. علاوه بر آن نتایج نشان داد که چرخه عمر شرکت­ها در بستر مدیریت واقعی سود اهمیت ویژه­ای دارند.

سان7 و همکاران (2014) در مطالعه­ای رابطه ویژگی­های کمیته حسابرسی و مدیریت واقعی سود بررسی نمودند، نتایج آنها بیان­گر آن است که، مدیران مازاد اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت واقعی سود اندازه­گیری شده به­وسیله جریان نقدی غیرعادی، هزینه­های اختیاری غیرعادی و هزینه­های تولید غیرعادی دارند. این یافته بر این متصور سازگار می­باشد که کسب و کار اعضای مازاد اعضای کمیته حسابرسی با ایجاد اختلال در نظارت می­شود.

کیاتی کال واتانا8 (2014) در پژوهشی رابطه افشای داوطلبانه با مدیریت واقعی سود و اقلام تعهدی را مورد آزمون قرار دادند، آنها یافتند که، افشای داوطلبانه از بیان مسئولیت مدیریت برای گزارش­گری مالی با هر دوی مدیریت سود اقلام تعهدی و واقعی (دستکاری در فروش، کاهش در هزینه­های اختیاری و تولید بیش ازحد) ارتباطی ندارد. در واقع شرکت­ها بدون دانستن مسئولیت مدیریت برای گزارش­گری مالی، اقدام به دستکاری سود به شیوه­های معمول می­نمایند.

نمازی و غلامی(1393) در پژوهش خود، تاثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر کارآیی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش، حاکی از وجود رابطه معنادار بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و ناکارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بود. می‌توان نتیجه گرفت که با اعمال بیشتر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، میزان سرمایه‌گذاری­های ناکارای شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. همچنین، یافته‌های پژوهش، نشان داد که بین اقلام تعهدی اختیاری و سرمایه‌گذاری ناکارای دوره مالی بعد نیز رابطه معنادار وجود دارد.

تبسم9 و همکاران (2013) در پژوهشی ارتباط مدیریت واقعی سود و عملکرد آتی شرکت­ها را مورد بررسی قرار دادند. یافته های آنها نشان داد که اجزای مدیریت واقعی سود یعنی جریان نقدی عملیاتی غیرعادی، هزینه­های اختیاری و تولید مازاد بر عملکرد شرکت تاثیر منفی می­گذارند.

پورحیدری و غلامی (1392) در مطالعه­ای تأثير مديريت واقعي سود بر رفتار سرمايه­گذاري شرکت­ها را مورد بررسی قرار دادند. نتايج حاصل از مطالعه آنها، نشان­داد كه بين جريان غيرعادي وجوه نقد ناشي از فعاليت­هاي عملياتي و هزينه­هاي غيرعادي اختياري با سرمايه­گذاري ناكارا، رابطه معنادار وجود دارد. به اين معني كه با اعمال بيشتر مديريت واقعي سود ميزان سرمايه­گذاري ناكاراي شركت­ها افزايش مي­يابد.

بادرتسچر10(2011) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارزش­گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و انتخاب مكانیزم های متعدد مدیریت سود پرداخت. وی از سه معیار جریان‌های نقدعملیاتی غیرعادی، هزینه غیرعادی تولید و هزینه اختیاری غیرعادی برای اندازه­گیری مدیریت واقعی سود استفاده کرد و با استفاده از مدل سود باقی­مانده به اندازه­گیری ارزش ذاتی شرکت­ها پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که ارزش­گذاری بالای (نسبت قیمت سهام به ارزش ذاتی) شرکت­ها بر هر یك از معیارهای مدیریت سود تأثیر دارد.

جي و كيم11(2010) در پژوهشي با عنوان به مديريت سود واقعي و هزينه بدهي به بررسي ارتباط بين هزينه­ انتشار اوراق قرضه و مديريت سود واقعي پرداختند. نتايج بررسي نشان داد كه هزينه استقراض، يك ارتباط منفي با معيارهاي مديريت سود واقعي نظير توليد بيش از اندازه و كاهش هزينه‌هاي اختياري دارد.

**مدل پژوهش**

مدل این پژوهش به شرح رابطه (1) است:

رابطه (1)

در آزمون فرضیه­های پژوهش به‌جای متغیر مدیریت سود واقعی(RMit)، اجزای سه گانه آن شامل ، و جایگزین می­شود.

در اینجا:

RMit : مدیریت واقعی سود

 جریان­های نقدی غیرعادی

 هزینه­های غیرعادی تولید

 هزینه­های اختیاری غیرعادی

اندازه موسسه حسابرسی

 : عمر شرکت

 : نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

Changeit : تغییر مدیر عامل

 : اندازه شرکت

 : اهرم مالی it : شرکت i در سال t می­باشد.

**متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه­گیری آنها**

**متغیر وابسته:**

متغیر وابسته در این پژوهش متغیر مدیریت واقعی سود است که برای به دست آوردن آن به شرح زیر عمل می­شود.

**جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی**

در این پژوهش، مشابه پژوهش رويچـودهري (2006)، از مدل زیر برای تخمین جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی استفاده می­شود به گونه­ای که باقی­مانده این مدل به عنوان جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی در نظر گرفته شده است.

که در آن:

 خالص جریان­ وجوه نقد عملیاتی

 : کل دارایی­های سال قبل

 : کل درآمد فروش شرکت

 : تغییرات کل درآمد فروش شرکت در سال t و t-1

 : خطای مدل که مقادیر خطا آن جریان غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت­های عملیاتی می­باشد

**هزینه­های غیرعادی تولید**

مشابه پژوهش رويچـودهري (2006)، از مدل زیر برای تخمین هزینه­های غیرعادی تولید استفاده می­شود به گونه­ای که باقی­مانده این مدل به عنوان هزینه­های غیرعادی تولید می­باشد.

که در آن:

 : هزینه­های تولید شرکت برابر است با مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته به علاوه تغییرات موجودی کالا

 **هزینه­های اختیاری غیرعادی**

مشابه پژوهش دیچو رويچـودهري (2006)، از مدل زیر برای تخمین هزینه­های اختیاری غیرعادی استفاده می­شود به گونه­ای که باقی­مانده این مدل هزینه­های اختیاری غیرعادی می­باشد.

که در آن:

 : هزینه­های اختیاری شرکت

 : کل درآمد فروش شرکت

**متغیر مستقل**

متغبر مستقل پژوهش تغییر مدیر عامل است. در صورتی که مدیر عامل در سال مورد نظر تغییر کرده باشد، عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر به آن اختصاص می­یابد.

**متغیرهای کنترلی**

**اندازه موسسه­ی حسابرسی**

این متغیر یک متغیر ساختگی صفر و یک است. اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، یک و در غیر اینصورت، صفر خواهد بود. این متغیر اثر احتمالی موسسات بزرگ حسابرسی را بر فعالیت مدیریت سود می­سنجد. این متغیر توسط ایزدی­نیا وهمکاران(1394) به عنوان یک متغیر کنترلی تاثیرگذار بر مدیریت سود بکار گرفته شده است.

**اندازه شرکت**

این متغیر توسط ایزدی­نیا وهمکاران(1394) به عنوان یک متغیر کنترلی تاثیرگذار بر مدیریت سود بکار گرفته شده است. که در این پژوهش از طریق لگاریتم جمع فروش سالانه شرکت محاسبه می­شود.

**عمر شرکت**

این متغیر توسط ایزدی­نیا وهمکاران(1394) به عنوان یک متغیر کنترلی تاثیرگذار بر مدیریت سود بکار گرفته شده است. که در این پژوهش از تفاوت سال تاسیس شرکت و سال مورد نظر، محاسبه می­شود.

**اهرم مالی**

اهرم مالی برابر است با نسبت کل بدهی­های شرکت به کل دارایی­های شرکت.

**رشد شرکت**

 این متغیر توسط ایزدی نیا وهمکاران(1394) به عنوان یک متغیر کنترلی تاثیرگذار بر مدیریت سود بکار گرفته شده است. مشابه تحقیق ایزدی و همکاران(1394) این متغیر از حاصل تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بر ارزش دفتری پایان دوره (M/B) به دست می­اید.

**روش پژوهش**

این پژوهش یک مطالعه کاربردی از نوع پس رویدادی می­باشد. مانند بیشتر پژوهش­های انجام شده در حوزه علوم اجتماعی و از جمله حسابداری، این پژوهش از طرح پژوهش نیمه تجربی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون و نرم افزارهای Excel و Eviews استفاده شده است.

**جامعه آماری، نمونه آماری و دوره مورد آزمون**

جامعه آماری مربوط به آزمون فرضیه­های پژوهش شامل تمامی شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش از سال 1387 تا 1394می­باشد.

انتخاب نمونه آماری شرکت­ها با در نظر گرفتن معیارهای: اطلاعات مورد نیاز شرکت­ها طی دوره پژوهش در دسترس بوده و تغییر سال مالی نداده باشند، پایان سال مالی شرکت­ها اسفندماه باشد، در گروه شرکت­های سرمایه­گذاری، واسطه­ گرهای مالی، بانک و هلدینگ نباشد و سهام شرکت­ها طی هر یک از سال­های دوره پژوهش معامله شده باشد؛ انجام گردید و در نهایت85 شرکت انتخاب شد.

**یافته­های پژوهش**

نتایج آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به شرح نگاره (1) است.

**نگاره 1 . نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیرها** | **میانگین** | **میانه** | **انحراف معیار** | **بیشترین** | **کمترین** |
| هزینه اختیاری غیرعادی | 005/0- | 009/0 | 052/0 | 389/0 | 363/0- |
| هزینه غیرعادی تولید | 149/0- | 058/0- | 169/0 | 715/0 | 873/0- |
| جریان نقدی غیر عادی | 353/0 | 325/0 | 280/ | 335/2 | 555/0- |
| اندازه موسسه حسابرسی | - | 0 | - | 1 | 0 |
| تغییر مدیر عامل | - | 0 | - | 1 | 0 |
| عمر شرکت | 4/31 | 25 | 546/0 | 58 | 9 |
| اندازه شرکت | 523/13 | 335/13 | 435/1 | 718/18 | 086/10 |
| اهرم مالی | 689/0 | 688/0 | 205/0 | 877/0 | 108/0 |
| رشد شرکت | 12/2 | 58/1 | 235/1 | 32/6 | 14/1 |

آمار توصیفی حاکی از این است که میانگین جریان نقدی عملیاتی غیرعادی 353 % می­باشد و نشان می­دهد که شرکت­های مورد بررسی جریان نقدی عملیاتی کمی داشته­اند. مقدار اهرم مالی بیان­گر آن است که 69 % دارایی‌های شرکت از محل بدهی­های شرکت تامین مالی شده­اند. میانه دو متغیر اندازه موسسه حسابرسی و تغییر مدیر عامل عدد صفر است که نشان می­دهد حداقل در50 درصد موارد(297 شرکت – سال) شرکت توسط موسسه­ای به جز موسسه حسابرسی، حسابرسی شده است. از طرفی نتایج حاصل از برآورد ضرایب مدلرويچـودهري (2006)، جهت محاسبه اجزای سه گانه مدیریت واقعی سود به شرح سه نگاره 3،2 و4 است، که با جایگذاری اعداد واقعی در فرمول، مقدار خطای باقیمانده برابر با جزء مدیریت واقعی سود است.

**نگاره 2. نتایج برآورد ضرایب هزینه­های عادی تولید براساس مدل رويچـودهري (2006)،**

|  |
| --- |
|  |
| **متغیرها** | **علامت اختصاری** | **ضریب** | **آماره t** | **سطح معنی‌داری** |
| مقدار ثابت |  | 149/0 | 352/5 | 000/0 |
| معکوس دارایی­ها |  | 972/3 | 118/3 | 001/0 |
| درآمد فروش |  | 205/0 | 545/6 | 000/0 |
| تغییرات درآمد فروش |  | 067/0 | 850/1 | 064/0 |
| تغییرات درآمد فروش سال قبل |  | 017/0 | 645/0 | 518/0 |
| ضریب تعیین تعدیل‌شده | 438/0 | آماره F | 079/7 |
| دوربین واتسون | 803/1 | سطح معنی‌داری | 000/0 |
| آزمون F لیمر | 492/5 | آزمون هاسمن | 70/19 |
| سطح معنی‌داری | 000/0 | سطح معنی‌داری | 000/0 |

**نگاره 3. نتایج برآورد ضرایب جریان عادی وجوه نقد براساس مدل رويچـودهري (2006).**

|  |
| --- |
|  |
| **متغیرها** | **علامت اختصاری** | **ضریب** | **آماره t** | **سطح معنی‌داری** |
| مقدار ثابت |  | 087/0 | 115/7 | 000/0 |
| معکوس کل دارایی­ها |  | 058/6 | 478/3 | 000/0 |
| درآمد فروش |  | 040/0 | 846/2 | 004/0 |
| تغییرات درآمد فروش |  | 004/0 | 234/0 | 000/0 |
| ضریب تعیین تعدیل‌شده | 42/0 | آماره F | 079/7 |
| دوربین واتسون | 003/2 | سطح معنی‌داری | 000/0 |
| آزمون F لیمر | 516/2 | آزمون هاسمن | 262/21 |
| سطح معنی‌داری | 000/0 | سطح معنی‌داری | 000/0 |

**نگاره 4. نتایج برآورد ضرایب هزینه اختیاری عادی براساس مدل رويچـودهري (2006).**

|  |
| --- |
|  |
| **متغیرها** | **علامت اختصاری** | **ضریب** | **آماره t** | **سطح معنی‌داری** |
| مقدار ثابت |  | 008/0 | 593/3 | 000/0 |
| معکوس دارایی­ها |  | 172/10 | 651/3 | 000/0 |
| تغییرات درآمد فروش |  | 0009/0 | 564/0 | 000/0 |
| ضریب تعیین تعدیل‌شده | 331/0 | آماره f | 406/4 |
| دوربین واتسون | 052/2 | سطح معنی‌داری | 000/0 |
| آزمون f لیمر | 842/1 | آزمون هاسمن | 60/20 |
| سطح معنی‌داری | 000/0 | سطح معنی‌داری | 000/0 |

در این پژوهش از الگوی رگرسیون چندگانه برای آزمون فرضیه­ها استفاده شده است. از آزمون چاو(F لیمر) برای تعیین نوع روش تخمین(تلفیقی در مقابل تابلویی با اثرات ثابت) استفاده شده است که نتایج حاصل از آزمون فوق به شرح نگاره 5 است.

**نگاره 5. نتایج آزمون­های چاو و هاسمن**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| آزمون | نام مدل | آماره | سطح معناداری | روش تایید شده |
| آزمون F لیمر | مدل اولین فرضیه فرعی | 28/125 | 033/0 | داده­های تابلویی |
| مدل دومین فرضیه فرعی | 01/135 | 044/0 | داده­های تابلویی |
| مدل سومین فرضیه فرعی | 42/127 | 039/0 | داده­های تابلویی |
| آزمون هاسمن | مدل اولین فرضیه فرعی | 12/80 | 05/0 | اثرات ثابت |
| مدل دومین فرضیه فرعی | 24/78 | 046/0 | اثرات ثابت |
| مدل سومین فرضیه فرعی | 22/66 | 031/0 | اثرات ثابت |

همان­طور که نتایج نشان می­دهد، سطح معناداری آماره F لیمر در هر 3مدل کم­تر از 5% است؛ بنابراین روش مورد نظر برای تخمین مدل، تابلویی(با اثرات ثابت) می­باشد. از آن­جایی که سطح معناداری آماره هاسمن نیز در3 مدل کمتر از 5% است، لذا مدل مورد نظر از نوع اثرات ثابت است.

 نتایج آزمون فرضیه­های فرعی پژوهش در نگاره‌های 6 تا 8 آورده شده است. همانطور که در نگاره 6 مشاهده می­شود، آزمون F در سطح اطمینان 99 % معنادار می­باشد. بیان­گر این است که، کل مدل رگرسیون معنادار است. آماره دوربین واتسون نیز 985/1 می­باشد، که نشان می­دهد مشکل خود هم‌بستگی جدی بین باقیمانده­ها وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان دهنده این است که 13% تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر­های مستقل و کنترلی تبیین می­شود. مقدار ضریب بتا و آماره t مربوط به متغیر تغییر مدیر عامل برابر با 319/1- و 422/3 می­باشد، که با توجه به سطح معناداری 00/0 می­توان ادعا کرد که بین تغییر مدیرعامل و جریان­های غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی اولین فرضیه پژوهش پذیرفته می­شود و می­توان گفت که با تغییر مدیر عامل، جریان­های غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی سود کاهش می­یابد. باید توجه نمود که منفی بودن مقدار جریان‌های نقد غیرعادی به عنوان یک جزء مدیریت واقعی سود به معنای مدیریت سود افزاینده است، لذا مثبت بودن ضریب متغیر مربوط به تغییر مدیریت به منزله مدیریت سود کاهنده می­باشد. در نگاره 7 نتایج فرضیه دوم ارائه گردیده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می­شود مقدار ضریب بتا و آماره t مربوط به متغیر هزینه­های غیرعادی برابر با 095/0 و 55/0 می­باشد، که با توجه به سطح معناداری 58/0 نمی­توان ادعا کرد که بین تغییر مدیرعامل و هزینه­های غیرعادی تولید رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی دومین فرضیه پژوهش پذیرفته نمی­شود و نمی­توان گفت که با تغییر مدیر عامل، هزینه­های غیرعادی تولید کاهش می­یابد.

**نگاره 6. نتايج آزمون اولین فرضیه پژوهش**

|  |
| --- |
|  |
| نام متغير | نماد متغير | ضريب | آماره t | p-value |
| مقدار ثابت |  | 253/0- | 073/2- | 038/0 |
| تغییر مدیر عامل |  | 319/1 | 422/3 | 000/0 |
| اندازه موسسه حسابرسی |  | 354/0 | 646/2 | 008/0 |
| عمر شرکت |  | 238/1 | 172/3 | 001/0 |
| اندازه شرکت |  | 148/0 | 048/2 | 041/0 |
| اهرم مالی |  | 017/0 | 314/2 | 021/0 |
| رشد شرکت | M/B | 063/0 | 089/1 | 736/0 |
| ضريب تعيين تعديل شده R2 | 135/0 | آماره F | 014/7 |
| آماره دوربين ـ واتسون | 985/1 | معناداري آماره F | 000/0 |

**نگاره 7. نتايج آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش**

|  |
| --- |
|  |
| نام متغير | نماد متغير | ضريب | آماره t | p-value |
| مقدار ثابت |  | 215/0- | 38/2- | 01/0 |
| تغییر مدیر عامل |  | 095/0 | 55/0 | 58/0 |
| اندازه موسسه حسابرسی |  | 153/0 | 03/1 | 08/0 |
| عمر شرکت |  | 162/0 | 31/4 | 00/0 |
| اندازه شرکت |  | 008/0 | 347/1 | 178/0 |
| اهرم مالی |  | 02/0 | 182/4 | 00/0 |
| رشد شرکت | M/B | 037/0 | 836/0 | 403/0 |

در نگاره 8 نتایج سومین فرضیه فرعی ارائه گردیده است. همانطور که در این نگاره مشاهده می­شود، مقدار ضریب بتا و آماره t متغیر هزینه­های غیرعادی برابر با 143/0 و 53/1 می­باشد، که با توجه به سطح معناداری 152/0 نمی­توان ادعا کرد که بین تغییر مدیرعامل و هزینه­های غیرعادی اختیاری رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی سومین فرضیه پژوهش پذیرفته نمی­شود و نمی­توان گفت که با تغییر مدیر عامل، هزینه­های غیرعادی اختیاری کاهش می­یابد.

**نگاره 8. نتايج آزمون فرضیه فرعی سوم پژوهش**

|  |
| --- |
|  |
| نام متغير | نماد متغير | ضريب | آماره t | p-value |
| مقدار ثابت |  | 29/0 | 24/2 | 03/0 |
| تغییر مدیر عامل | change | 143/0 | 53/1 | 152/0 |
| اندازه موسسه حسابرسی |  | 667/0 | 56/4 | 00/0 |
| عمر شرکت |  | 002/0 | 02/1 | 30/0 |
| اندازه شرکت |  | 025/0 | 72/8 | 00/0 |
| اهرم مالی |  | 005/0- | 78/0- | 43/0 |
| رشد شرکت | M/B | 002/0 | 29/4 | 04/0 |

**نتیجه­گیری و پیشنهادها**

به منظور تحلیل تاثیر تغییر مدیریت بر اجزای سه گانه مدیریت سود سه فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که از بین اجزای سه گانه مدیریت سود تنها جزء جریان­های غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی سود در اولین سال مدیریت روند کاهشی داشته است که نشان‌دهنده تایید اولین فرضیه پژوهش است. ولی دو فرضیه دیگر مورد تایید قرار نگرفت. با توجه به اینکه از بین اجزای سه گانه مدیریت سود تنها جزء جریان­های غیرعادی وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی سود در اولین سال مدیریت روند کاهشی داشته است که نشان دهنده این است؛ تغییر مدیریت بر روند کاهشی این جریان­ها تاثیرمعناداری دارد. لذا به سرمایه­گذاران توصیه می­شود به این نکته توجه داشته باشند. از طرفی با توجه به اینکه در صورت‌های مالی، زمان دقیق تغییر مدیر عامل شرکت طی سال مشخص نبود. آنچه که مشخص بود، این بود که مدیر عامل طی سال عوض شده است، لذا زمان تغییر مدیر عامل طی سال نیز ممکن است بر نتایج پژوهش تاثیرگذار باشد. مثلا ممکن است مدیر عامل در زمانی( نزدیک به اواخر سال) عوض شده است که فرصت کافی برای مدیریت سود کاهنده نداشته باشد. این موضوع به عنوان یک محدودیت اصلی می­تواند بر نتایج پژوهش تاثیرگذار باشد.

**یادداشت‌ها**

1. Healy & Wahlen 2. Jordan& Clark

3. Itoh 4. Cotter

5. Don 6. Nagar & Radhakrishnan

7. [Sun](http://www.emeraldinsight.com/action/doSearch?ContribStored=Sun%2C+J) 8. Kiattikulwattana

9. Tabassum 10. Badertscher

11 .Ge & Kim 12. Dechow

**منابع**

1 – پورحیدری، امید،علی، رحمانی و رضا‌ غلامی. (1392). *بررسی تاثیر مدیریت واقعی سود بر رفتار سرمایه گذاری.* پیشرفت‌های حسابداری، دوره پنجم، شماره 1، صص 55-85.

2 – نمازی، محمد و رضا غلامی. (1393). *تاثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت‌ها.* دانش حسابداری، دوره پنجم، شماره 17، صص 29-48.

3 – ایزدی نیا، ناصر، دری ساده، مصطفی و مسعود نرگسی. (1394). *بررسی مدیریت سود مبتنی براقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود در دوره های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار*. دانش حسابداری، سال ششم، شماره 21، صص 55-81.

4 - Badertscher B. A. (2011). Overvaluation and the Choice of Alternative Earnings Management Mechanisms. The Accounting Review, 86)5(: 1491-1518.

5 - Dong, N., Wang, F., Zhang, J. and Zhou, J. (2015). Ownership Structure and Real Earning Management: Evidence from China, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract> =2642617.

6 - Ge, W. and Kim J. (2010). Real Earnings Management and Cost of Debt. CAAA Annual Conference.

[7 - Kiattikulwattana, P](http://www.emeraldinsight.com/action/doSearch?ContribStored=Kiattikulwattana%2C+P). (2014) . Earnings management and voluntary disclosure of management's responsibility for the financial reports. Asian Review of Accounting, 22(3): 233-256.

8 - Nagar N. and Radhakrishnan S. (2015). Firm Life Cycle and Real-Activity Based Earnings Management, Available at SSRN: [http://ssrn.com/abstract=2701680](http://ssrn.com/abstract%3D2701680)

9 - [Sun](http://www.emeraldinsight.com/action/doSearch?ContribStored=Sun%2C+J), J., [Lan](http://www.emeraldinsight.com/action/doSearch?ContribStored=Lan%2C+G), G. and [Liu](http://www.emeraldinsight.com/action/doSearch?ContribStored=Liu%2C+G), G. (2014). Independent audit committee characteristics and real earnings management, Managerial Auditing Journal, 29(2): 153-172.

10 - Tabassum, N., Kaleem, A. and Nazir M. (2013). Impact of real earnings management on subsequent financial performance. Middle-East Journal of Scientific Research, 17(4): 551-560.

**Abstract:**

Due to importance of the earnings management, the aim of this study is Study the relationship between management change and real earnings of companies listed in Tehran stock exchange in point of view of big bath theory and housecleaning pattern. in order to achieve the goal of this research we have used data of 85 companies listed in the Tehran Stock Exchange for a period of seven years, during the years (2008-2014). Collected data were analyzed with Eviews econometric software. The panel regression was used to test the hypothesis of this research. The results of test hypotheses showed that there is a significant negative relationship between the abnormal cash flow and real earnings management but there is not relationship between management change, production abnormal cost and abnormal cost optional. The study also found there are significant relationship between size, age and real earnings management in Companies Listed in Tehran Stock Exchange

Keywords: management change, Earnings Management, Real Earnings Management.